



## تأملی بر اثربخشی برنامه‌های درسی آموزش عالی با تأکید بر فلسفه یادگیری دانشجویان

دکتر جعفر ترک‌زاده<sup>۱</sup>، فهیمه کشاورزی<sup>۲</sup>

### چکیده

فلسفه یادگیری انسان، دستیابی به عمق وجود آدمی است و ماهیت یادگیری در انسان وابسته به دیدگاه‌های بنیادی فلسفی به ویژه ماهیت انسان و ماهیت شناخت اوست. در این راستا، سیستم‌های موجود در آموزش عالی بایستی در جهت تحقق اهداف و رسالت مقدس آموزش عالی (یادگیری و شکوفایی انسان) به عنوان یک سیستم گام‌هایی اساسی و زیربنایی بردارند، در این میان برنامه‌های درسی به عنوان یک زیر سیستم در نظام آموزش عالی از این اصل مهم مستثنی نمی‌باشد و حتی در مواردی مسئولیت مهم‌تر و اساسی‌تری نسبت به سایر زیرسیستم‌های موجود در دانشگاه بر عهده دارند. با توجه به رسالت آموزش عالی و در بطن آن برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها، و با توجه به فلسفه یادگیری دانشجویان، مطالعه حاضر به بررسی اثربخشی برنامه‌های درسی آموزش عالی با تأکید بر فلسفه یادگیری دانشجویان می‌پردازد. در واقع مطالعه حاضر درصدد پاسخگویی به سوالاتی از این قبیل است که آیا برنامه‌های درسی آموزش عالی از اثربخشی لازم در ابعاد مختلف درونی، بیرونی و نهادی در راستای تحقق رسالت آموزش عالی که تحقق یادگیری مطلوب در دانشجویان متناسب با فلسفه و علت وجودی آن می‌باشد، برخوردار است؟. براساس مطالعات انجام شده، یادگیری منظم دانش، توسعه مهارت‌های استدلالی و انتقادی، ایجاد انگیزه در جهت یادگیری مداوم، توسعه دانش و مهارت برای کار گروهی، موفقیت در دوره‌های تحصیلی، کیفیت بالای یادگیری، دانش آموختگان توانمند، و غیره مواردی از اثربخشی برنامه‌های درسی است که در ضمن یادگیری‌های دانشجویان شکل گرفته است.

**کلمات کلیدی:** برنامه‌های درسی، اثربخشی، یادگیری، فلسفه یادگیری، دانشجویان، آموزش عالی.

### مقدمه

در ایران دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منظور تحقق اهداف اسناد فرادستی چون سند چشم انداز ۱۴۰۴، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول راهبردی علم و فناوری و سند راهبردی نظام جامع فناوری اطلاعات کشور، ملزم به طراحی و تدوین راهبردهایی هستند تا با اجرای آنها آرمان‌ها و اهداف کلان کشور در حوزه‌های مختلف

۱. نویسنده مسئول: عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز (دانشیار)، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، شیراز، ایران. [djt2891@gmail.com](mailto:djt2891@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه شیراز، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، شیراز، ایران.

[fahimehkesavarz@yahoo.com](mailto:fahimehkesavarz@yahoo.com)



متناسب با تحولات موجود در محیط محقق گردد (سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲؛ سند جامع نظام فناوری اطلاعات کشور، ۱۳۸۶؛ سند تحول راهبردی علم و فناوری، ۱۳۸۸). در واقع جستجوی حقیقت و توسعه دانش، پرورش نیروی انسانی متخصص، افزایش درک بین المللی، پرورش مهارت استدلال و کنجکاوی افراد، پرورش توانایی برقراری ارتباط اجتماعی در افراد، پرورش متخصصان شایسته، تربیت معلمان و محققان آینده، پرورش مهارت‌های مناسب برای ایفای نقش در دنیای کار، کمک به افزایش سطح کیفی دوره‌های قبل از دانشگاه، رشد و پرورش توانایی فکری و هوشی افراد، پرورش مهارت‌های استدلال انتقادی، برخی از رسالت‌هایی است که آموزش عالی در جهت تحقق آن متناسب با پویایی‌ها و تحولات محیطی بایستی راهبردهایی را اتخاذ نماید (بریولنگو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴؛ لین و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ یمنی، ۱۳۹۱؛ مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹؛ عارفی، ۱۳۸۴).

موفقیت دانشگاه در ایفای نقش و رسالت شایسته خود مستلزم جهت‌گیری اساسی مناسب دانشگاه و هر یک از زیر سیستم‌های آن (از جمله سیستم آموزشی) متناسب با شرایط و اقتضات محیطی است (ترکزاده، ۱۳۸۷)، تا بدین طریق دستیابی به رسالت و اهداف مذکور امکان‌پذیر گردد. از جمله زیرسیستم‌های دانشگاه یا به عبارتی از عناصر یا خرده نظام‌های اصلی آموزش عالی که بایستی دقیق مورد بررسی قرار گیرد، برنامه‌های درسی<sup>۳</sup> است. دانشگاه‌ها به منظور انجام وظایف خطیر و پویای خود و همچنین ارتقای همه جانبه، نیازمند استفاده از الگوها و مدل‌ها و ابزارهای مناسب جهت اثربخشی برنامه درسی خود هستند. زیرا با ارزشیابی اثربخشی برنامه درسی است که مشخص می‌گردد، برنامه‌های درسی منجر به تحقق اهداف درونی و بیرونی همچنین تحقق مطلوبیت‌های اساسی و ارائه بازتاب و اثر مورد نظر در جامعه شده است یا خیر (ترکزاده و همکاران، ۱۳۹۳). بر این اساس، با توجه به رسالت آموزش عالی و در بطن آن برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها، و با توجه به فلسفه یادگیری دانشجویان، مطالعه حاضر به بررسی اثربخشی برنامه‌های درسی آموزش عالی با تأکید بر فلسفه یادگیری دانشجویان می‌پردازد. در اصل مطالعه حاضر درصدد پاسخگویی به سوالاتی از این قبیل است که آیا برنامه‌های درسی آموزش عالی تحقق اهداف را متناسب با فلسفه یادگیری دانشجویان در پی دارد؟ یا به عبارتی آیا برنامه‌های درسی آموزش عالی از اثربخشی لازم در ابعاد مختلف درونی، بیرونی و نهادی در راستای تحقق رسالت آموزش عالی که تحقق یادگیری مطلوب در دانشجویان متناسب با فلسفه و علت وجودی آن می‌باشد، برخوردار است؟

1 - Barrioluengo

2 - Lin et al

3 - Curricula



### مبانی نظری:

یادگیری و کسب اطلاعات یکی از ویژگی‌های بارز انسان هاست. انسان به طور غریزی تمایل دارد به اطراف بنگرد و حوزه اطلاعات خودش را گسترش دهد. این روحیه جستجوگری همواره محرک انسان‌ها بوده و از آغاز خلقت تاکنون سبب کسب و تولید دانش شده است. اما ابعاد و رویکرد آن در دوره‌های گوناگون از ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی و مکاتب فلسفی متأثر شده است. از آنجا که خداوند متعال انسان‌ها را به تأمل در خلقت جهان و تفکر دعوت کرده است شایسته است آنان یاد بگیرند خوب ببینند، خوب بشنوند، خوب بیندیشند و رموز خلقت را کشف کنند و همواره ذهنی خلاق و سیال داشته باشند تا بتوانند زمینه‌های بلقوه را به خلاقیت و نوآوری تبدیل کنند. در واقع یادگیری به عنوان تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فراگیران که بر اثر تجربه حاصل می‌شود، گفته می‌شود (سیف، ۱۳۹۰). از جمله عوامل مؤثر بر یادگیری می‌توان به روش تدریس استاد، آمادگی دانشجو، انگیزه و هدف یادگیری، رابطه بین ابعاد و عناصر برنامه درسی، و غیره نام برد. اگر به هریک از نظریه‌های یادگیری توجه کنیم هر یک دستاوردهای مثبتی در اجرای برنامه درسی و تدریس دارد. با اتکا به این نظریه‌ها می‌توان شاهد دستاوردهایی همچون یادگیری با محوریت علایق و نیازهای دانشجو، یادگیری مبتنی بر مسأله، نگارش توأم با بازاندیشی، آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی، یادگیری خودمحور و مادام‌العمر، کسب مهارت‌های حل مسأله، کسب مهارت‌های ارتباطی بود (حقانی و معصومی، ۱۳۸۹). به عنوان نمونه رفتارگرایان به تأثیر محیط بر رفتار انسان تأکید بسیار نموده، به طوری که انسان را همانند ماشینی در نظر می‌گیرند که فرمان آن دست محیط است و به هر سو که محیط (محرک) بخواهد، رفتار را به سمت خواهد راند (فتحی آذر، ۱۳۸۰). در این رویکرد یادگیری، فراگیر حالتی منفعل دارد. در نظریه‌های یادگیری مبتنی بر شناخت یا نظریه‌های یادگیری شناختی فرایند درونی بسیار مهم می‌باشد. آنها بر این باورند که یادگیری، فرایندی درونی است که ممکن است به صورت تغییر فوری در رفتار آشکار، ظاهر نشود (سیف، ۱۳۸۷). در این نظریه استفاده از پیش سازمان دهنده که توسط آزوبل مطرح شده، بدین معناست. همچنین در این روش که یکی از مؤثرترین روش‌های یادگیری است استاد موظف است قبل از شروع هر درس خلاصه‌ای از موادی که باید به فراگیران یاد دهد، بیان کند، این مطالب پیش سازمان دهنده نامیده می‌شود. بنابراین پیش سازمان دهنده عبارت است از مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط به مطلب یادگیری که پیش از آموزش جزئیات تفصیلی آن مطلب در اختیار یادگیرندگان گذاشته می‌شود (سیف، ۱۳۸۷).

همچنین در نظریه یادگیری سازنده‌گرایی دانش از تجربه ساخته می‌شود و یادگیری فرایند تفسیر شخصی از جهان است (شیخی، ۱۳۸۰). دانش، فعالانه و با تفکر فراگیر ساخته می‌شود. تعامل با دیگران بر فرایند ساختن فهم کمک می‌کند و محصولات ساختن دانش، فهم‌هایی خواهد بود که در افراد به وجود می‌آید. بر اساس این نظریه، روش تدریس دانشجو محور خواهد بود. بر این اساس آموزش باید در محیط‌های طبیعی انجام شود. به



طور کلی نظریه های یادگیری، روش های متعددی در حیطه آموزش و یادگیری در محیط آموزش عالی پیش روی اساتید قرار داده است و این هنر استادان است که تعیین کنند کدام راهبرد و رویکرد برای موفقیت برنامه درسی و همچنین توانمندی فراگیران بهترین کارکرد را دارد (حقانی و معصومی، ۱۳۸۹).

### روش شناسی:

کشف، استخراج و تحلیل داده ها و اطلاعات مرتبط با مطالعه حاضر مستلزم کاربست الگوی کیفی ای است که بتواند پاسخگوی پراکندگی منابع و اطلاعات موجود باشد. همچنین قدرت اکتشاف، استخراج و تحلیل داده ها و اطلاعات صریح و ضمنی را داشته باشد و در عین حال ساده و مدیریت پذیر باشد. روش فرایند چرخه ای تحلیل<sup>۱</sup> (ترک زاده، ۱۳۸۸)، چنین ویژگی هایی دارد و شامل مراحل و گام های فرایند گردآوری داده ها و اطلاعات، تقلیل احیاگرانه داده ها، سازماندهی و تحلیل اطلاعات و نتیجه گیری (تفسیر و نتیجه گیری) می باشد. مراحل ذکر شده در فرایند چرخه ای تحلیل را بایستی در یک ترکیب تعاملی به صورت مستمر و فزاینده در نظر گرفت تا به کشف و خلق مفاهیم و توسعه معنادار دانش جدید منجر گردد. استفاده از این فرایند در این مطالعه تا رسیدن به مرحله اشباع مفهومی دانش متغیرهای پژوهش ادامه داشت. به گونه ای که حاصل پژوهش حاضر مجموعه مفاهیم مشخص پیرامون اثربخشی برنامه های درسی آموزش عالی بر اساس فلسفه یادگیری دانشجویان بود.

### یافته ها

بر اساس مطالعات صورت گرفته همه دانشجویان قابلیت و توانمندی لازم جهت یادگیری دارند، همه آنها شایسته تحصیلاتی با کیفیت مطلوب هستند. در واقع فلسفه یادگیری انسان، دستیابی به عمق وجود آدمی است. و ماهیت یادگیری در انسان وابسته به دیدگاه های بنیادی فلسفی به ویژه ماهیت انسان و ماهیت شناخت است ( جارویس، ۲۰۰۶)، و هر گونه تبیین علمی درباره یادگیری، مبتنی بر دیدگاه فلسفی است که پرداختن به آن اهمیت دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲). صاحب نظران بسیاری از جمله آدلر، دیویی، کیلیاتریک، آیزنر، و غیره را می توان در حوزه یادگیری نام برد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲)، که هر یک دیدگاه های خاصی در زمینه یادگیری و فلسفه یادگیری در انسان دارند. به عنوان نمونه کریگر<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی، معتقد است، هدف یادگیری این است که دانشجویان دانش خود را در آینده در محیط واقعی بکار گیرند. این مهم از طریق یادگیری منظم دانش، توسعه مهارت های استدلالی و انتقادی، ایجاد انگیزه در جهت یادگیری مداوم، توسعه دانش و مهارت برای کار در گروه ها

1 - The cyclical process of analysis

2 - Carriger



امکان‌پذیر است. بنابراین یادگیری با تعالی ذهن انسان سروکار دارد. همچنین آدلر (۲۰۰۱) معتقد است یادگیری در دانشجویان بایستی منجر به کسب دانش و مهارت و ورود به دنیای ایده‌ها و ارزش‌ها گردد. بر این اساس محتوای برنامه‌های درسی باید شامل آثار معتبری باشد که بیانگر بالاترین دستاوردهای بشری در عرصه خردورزی است. در واقع برنامه‌های درسی بایستی از مناسبت لازم در راستای اهداف، وظایف و تحولات مربوطه برخوردار بوده تا بتوانند نقش اثربخش خود را ایفا نمایند (عارفی، ۱۳۸۴).

بر این اساس دانشگاه‌ها ناگزیر از طراحی و اجرای دوره‌های تحصیلی و برنامه‌های اثربخش برای جذب دانشجو و نیز انعکاس یافته‌ها و پژوهش‌های خود در قالب برنامه‌های درسی اثربخش می‌باشند (گلدفینک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). در واقع برنامه درسی‌ای که یادگیری پویا و منعطف دانشجویان را با تعلیم و تربیت در ابعاد مختلف رسمی و غیر رسمی ادغام نماید، اثربخشی آن برنامه درسی را به همراه دارد (احمد و پارسونز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ لویی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ سونگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). طرح‌ریزی این نوع برنامه درسی بایستی به گونه‌ای باشد که با ایجاد محیط یادگیری پویا زمینه رشد و شکوفایی دانشجویان و شکل‌دهی به هویت واقعی آنان میسر گردد. بر این اساس اثربخشی برنامه درسی به معنای تحقق اهداف و مطلوبیت‌های آن در راستای تحقق اهداف و مطلوبیت‌های آموزش عالی می‌باشد. و یا به عبارتی اثربخشی، بررسی میزان موثر بودن اقدامات انجام شده برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است (ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ هوی و میسکل، ۲۰۰۷؛ مارتز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ ترک‌زاده، ۱۳۷۶؛ هاشمی، ۱۳۸۳؛ دفت، ۱۳۸۵؛ طاهری، ۱۳۸۵؛ کریتنر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ انجمن خدمات اجتماعی امریکا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱). بر این اساس هدف‌های دانشگاه باید نشان دهنده‌ی علت وجودی آن و آنچه در دستیابی به آن است، باشد. زیرا که هدف‌ها وضع مطلوب سازمان در آینده تعریف شده‌اند (لویی، ۲۰۱۴؛ لئونگ و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲؛ ریموند و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ ترک‌زاده، ۱۳۷۶؛ عارفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ طاهری، ۱۳۸۵؛ رنز و هارمن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴؛ رابرت کریتنر، ۲۰۰۵؛ دیمیتری و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳؛ امینی و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رستگار و رضایی، ۱۳۹۱).

به عنوان نمونه موفقیت در دوره‌های تحصیلی، کیفیت بالای یادگیری، دانش آموختگان توانمند، و غیره مواردی از

- 
- 1 - Hicks
  - 2 - Ahmed & Parsons
  - 3 - Looi et al
  - 4 - Song, et al
  - 5 - Martz
  - 6 -Kritner
  - 7 -Martz
  - 8 -Leong et al
  - 9 - Raymond
  - 10 - Renz & Herman
  - 11 - Dimitri et al



اثر بخشی برنامه‌های درسی است که در ضمن یادگیری‌های دانشجویان شکل گرفته است. لازم به ذکر است اثر بخشی که دارای سه نوع درونی، بیرونی و نهادی می‌باشد، که می‌تواند چارچوب منسجمی در جهت تحقق اهداف اساسی آموزش عالی و بالتبع آن برنامه‌های درسی باشد (یمنی، ۱۳۸۲؛ ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). با تأملی بر موارد فوق و بر اساس آنچه ذکر گردید می‌توان چنین برداشت نمود که زیر سیستم‌های موجود در آموزش عالی بایستی در جهت تحقق اهداف و رسالت مقدس آموزش عالی (یادگیری) به عنوان یک سیستم گام-هایی اساسی و زیربنایی بردارند، در این میان برنامه‌های درسی به عنوان یک زیر سیستم در نظام آموزش عالی از این اصل مهم مستثنی نمی‌باشد و حتی در مواردی مسئولیت مهم‌تر و اساسی‌تری نسبت به سایر زیرسیستم‌های موجود در دانشگاه بر عهده دارد. لازمه موفقیت آن در چنین شرایطی اتخاذ اقدام مدبرانه به همراه کسب آگاهی کامل از شرایط و اقتضائات محیطی، ذینفعان، آینده و غیره می‌باشد.

### نتیجه‌گیری:

به طور کلی هدف اجرای کلیه برنامه‌های درسی ایجاد یادگیری است. زمانی یادگیری در دانشجویان شکل می‌گیرد، که برنامه‌های درسی اثر بخش باشند، در این صورت است که اهداف برنامه‌های درسی و نظام آموزش عالی نیز محقق می‌گردد. لازمه چنین مهمی، ایجاد محیط یادگیری مطلوب متناسب با شرایط، مقتضیات محیطی و همچنین تناسب با علایق و توانمندی‌های فراگیران می‌باشد. زمانی که عناصر برنامه درسی آموزش عالی به گونه‌ای در نظر گرفته شوند که بین کلیه ابعاد و عناصر انسجام، تناسب و ارتباط وجود داشته باشد، و اتخاذ اهداف متناسب با علایق فراگیر در راستای اهداف و رسالت آموزش عالی باشد، محتوا بر گرفته از اهداف و متناسب با نیاز فراگیر از یک طرف، و از طرف دیگر متناسب با نیازهای محیط بیرونی باشد، همچنین زمان یادگیری، مکان یادگیری، شرایط یاددهی-یادگیری دانشجویان، میزان دسترسی به منابع، کیفیت ارزشیابی برنامه‌های درسی همگی مطلوب باشند، مطمئناً یادگیری دانشجویان تحقق یافته و در نتیجه برنامه درسی اثر بخش خواهد بود.



## A Reflection on the Effectiveness of Higher Education Curricula: Philosophy of Students' Learning

Jafar Torkzadeh (PhD)<sup>1</sup>

Fahimeh Keshavarzi<sup>2</sup>

**Abstract:** The philosophy of human learning is to achieve the depth of human existence, and the nature of human learning is dependent on basic philosophical views; particularly human nature and the nature of his cognition. In this regard, the existing systems of higher education ought to take fundamental steps to fulfill the sacred mission and goals of higher education \_ human learning and flourishing. The curricula as a subsystem in the system of higher education is not exempt from this important principle, and even have more important and fundamental responsibility than the other subsystems available at the University. Given to the core mission of higher education and university curricula at the center of it, and according to the philosophy of student learning, this study was to evaluate the effectiveness of higher education curricula with an emphasis on the philosophy of students' learning. In fact, this study sought to answer such questions as whether the curricula of higher education was effective in various aspects of internal, external and institutional in order to fulfill the mission of higher education \_ the realization of optimal learning in students proportionate to its philosophy. According to studies, regular knowledge learning, developing critical and reasoning skills, creating motivation for continuous learning, developing knowledge and skills for teamwork, achieving success in academic periods, high quality of learning, enabling students and so on are some cases of the effectiveness of curricula that are shaped besides students' learning

**Keywords:** Curricula, Effectiveness, Learning, Learning Philosophy, Students, Higher Education

### فهرست منابع:

- امینی، محمد؛ صدیق ارفعی، فریبرز و قدمی، ملوک (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان». *دانشور رفتار*، سال شانزدهم، شماره ۳۶، ص ۵۴-۴۱.
- حیدری، سمیرا؛ زیباکلام مفرد، فاطمه؛ باقری، خسرو و مهرمحمدی، خسرو (۱۳۹۲). «تبیین و نقد مبانی فلسفی مفهوم یادگیری در طرح پایدیا». *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۳ (۱)، ۹۳-۱۱۰.
- ترک‌زاده، جعفر و احمدوند، علیمحمد (۱۳۸۸). «الگوی کاربردی هدایت راهبردی نظام اطلاعات دانشگاه».

1 - Correspondence Author, Department of Educational administration and planning, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: [djt2891@gmail.com](mailto:djt2891@gmail.com).

2 - PhD candidate of curriculum development, Department of Educational administration and planning, Shiraz University, Shiraz, Iran. [fahimehkeshavarzi@yahoo.com](mailto:fahimehkeshavarzi@yahoo.com).



نامه آموزش عالی،

- ترکزاده، جعفر؛ محمدی، مهدی و قاسمی قاسموند، محمود رضا (۱۳۹۳). «ارزیابی اثربخشی درونی، بیرونی و نهادی سیستم آموزش در شرکت پتروشیمی اروند». *علوم انسانی و هنر*، سال اول، شماره ۴.
- ترکزاده، جعفر؛ نیکنام، علی اصغر و محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۸). «ارزیابی اثربخشی درونی، بیرونی دروس عملی و کاربردی برنامه ی درسی دوره ی آموزش درجه داری رسته ی عملیات ویژه ی ناجا». *فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی*. سال دوم، شماره سوم.
- ترکزاده، جعفر؛ مجیدی، عبدالله و نورمحمدی، هادی (۱۳۸۸). «ارزیابی اثربخشی بیرونی برنامه درسی آموزش درجه داری رسته انتظامی ناجا. مدیریت: مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره ۴، ص ۴۸۱-۴۶۱.
- ترک زاده، جعفر (۱۳۸۷). کارگاه جهت گیری راهبردی آموزش دانشگاه شیراز. معاونت آموزشی دانشگاه شیراز، دفتر برنامه ریزی و توسعه آموزشی. بهمن ۸۷.
- رستگار، علی و رضایی، صادق (۱۳۹۱). «میزان اثربخشی برنامه درسی دانشگاه علوم انتظامی در حوزه انتظام اجتماعی از دیدگاه دانش آموختگان سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹». *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۷۰-۵۴.
- سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغیه مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲
- سند جامع نظام فناوری اطلاعات کشور، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۸۶.
- سند تحول راهبردی علم و فناوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۸.
- محمدی، مهدی؛ ناصری جهرمی، رضا و معینی شهرکی، هاجر (۱۳۹۱). «ارزیابی اثربخشی بیرونی برنامه درسی دوره مدیریت پروژه آموزشکده شرکت صنایع الکترونیک شیراز بر اساس مدل چشم شایستگی». *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۱۷-۸۳.
- محمدی، مهدی؛ ناصری جهرمی، رضا و رحمانی، هادی (۱۳۹۲). «ارزیابی اثربخشی بیرونی برنامه درسی دوره مدیریت پروژه آموزشکده شرکت صنایع الکترونیک شیراز بر اساس مدل چشم شایستگی». *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، سال دهم، دوره دوم، شماره ۱، ص ۳۲-۲۰.
- هداوند، سعید (۱۳۸۴). *رویکرد استراتژیک به فرایند آموزش*. تدبیر. ۱۶۲، ص ۱۷-۱۲.
- یمنی دوزی، محمد (۱۳۸۰). *درآمدی به عملکرد سیستم های دانشگاهی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- یمنی دوزی، محمد (۱۳۹۱). *کیفیت در آموزش عالی*. تهران: سمت.





- Adler, M. J. (2001). How to think about the great ideas (1 st ).Chicago: Open Court.
- Jarvis, P (2006). Human Learning (1 st ). New York: Rutledge.
- Tennyson, R. D & Volk, A (2015). Learning Theories and Educational Paradigms. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition). 699 – 711.
- Carriger, M. S. (2015). Problem-based learning and management development–Empirical and theoretical considerations. *The International Journal of Management Education*, 13(3), 249-259.
- Broadbent, J., & Poon, W. L. (2015). Self-regulated learning strategies & academic achievement in online higher education learning environments: A systematic review. *The Internet and Higher Education*, 27, 1-13.
- Branch, W. T. (2015). Teaching professional and humanistic values: Suggestion for a practical and theoretical model. *Patient education and counseling*, 98(2), 162-167.
- Barrioluengo, S. M(2014).Articulating the ‘three-missions’ in Spanish universities. *Research Policy*, 43, 1760–1773.
- Goldfinch, T. et al (2008). Initiating curriculum Review: The Chilean Experience. Scott,
- Hicks, K. (2007). Curriculum in higher education in Australia– Hello? Paper presented at 30th HERDSA Annual Conference. 8-11 July 2007 Adelaide, Australia. Available at: [www.herdsa.org.au/wp](http://www.herdsa.org.au/wp).
- Line R. Bishop H. & Wilson J. (2005). Creating an effective strategic planning for the school district. *The Journal of Instructional Psychology* ۳۲ ,(3).



### مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین

کرامت اسمی<sup>۱</sup>، رحمت اله مرزوقی<sup>۲</sup>، جعفر ترک زاده<sup>۳</sup>، بابک شمشیری<sup>۴</sup>

#### چکیده:

هدف کلی تحقیق حاضر، تعیین مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین و مؤلفه های آنها در آموزش عالی ایران است که به روش ترکیبی متوالی اکتشافی و در دو گام ۱- تعیین مبانی برنامه درسی کارآفرین ۲- اعتبار یابی آن، انجام گرفته است. در گام اول، گردآوری اطلاعات به به شیوه "سه سو سازی" و با بررسی اسناد بالا دستی، مبانی نظری و تحقیقات پیشین و مصاحبه نیمه ساختار یافته با صاحب نظران کلیدی، صورت پذیرفته است. از تحلیل محتوای هدایت شده و تلخیصی نیز به شکل ترکیبی، جهت تقلیل احیاگرانه داده ها و استخراج مبانی برنامه درسی کارآفرینی استفاده گردید. در گام دوم، اعتبار یافته ها با استفاده از معیارهای اعتبار سنجی کیفی (قابلیت اعتبار، تأیید پذیری و انتقال پذیری) و تکنیکهای گوناگون آنها بدست آمد. برای اطمینان از پایایی بخش کیفی تحقیق نیز از آزمون قابلیت اعتماد (اطمینان پذیری) استفاده شد که آزمون و مستندسازی فرایندهای بررسی در طول مراحل تحقیق به کمک مدارک، مستندات و شواهد کافی اتفاق افتاد. همچنین اعتباریابی کمی چارچوب تدوین شده، به روش تحلیل عامل اکتشافی و ناییدی صورت پذیرفت و چارچوب نهایی مشتمل بر مؤلفه های چهار گانه، تدوین گردید. نمونه گیری نیز به روش هدفمند و بر اساس حجم اشباعی و نمونه معرف تعیین گردید.

**کلید واژگان:** برنامه درسی، مبانی فلسفی برنامه درسی، برنامه درسی کارآفرین، مبانی فلسفی برنامه درسی

کارآفرین

۱ - استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، بخش علوم تربیتی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول). نشانی الکترونیکی km.esmi@gmail.com

۲ - دانشیار دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی، شیراز، ایران.

۳ - دانشیار دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی، شیراز، ایران.

۴ - دانشیار دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی، شیراز، ایران.



## مقدمه:

برنامه درسی یک نقشه برای تجارب یادگیری تلقی می شود که فراگیران با راهنمایی مدرسه با آن مواجه می شوند که هدف آن فراهم کردن ابزار برای نظم بخشیدن و هدایت آن تجارب است. (اولیوا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). برنامه درسی یک مقوله آمیخته به فرهنگ است و با ضرورتها و اقتضائات فکری، اعتقادی و ارزشی رابطه قوی دارد، به همین دلیل در آن از مبنای فلسفی و اجتماعی نیز در کنار مبانی روانشناختی برنامه درسی بحث می شود که بر اساس آن مبنای فلسفی، برنامه درسی جهت گیری مشخص پیدا می کند؛ بنابراین باید با توجه به شرایط و ویژگیهای بومی، برنامه درسی مناسب را جستجو کرد و برای طراحی آن اقدام نمود. ضرورت و اهمیت این اقدام زمانی آشکار می شود که به تنوع دیدگاههای برنامه درسی و علل این تنوع به درستی بیندیشیم و تفاوتهای آنها را بررسی عمیق کنیم؛ به عنوان مثال با بررسی پراگماتیسم به عنوان یک فلسفه تعلیم و تربیت متوجه می شویم که برنامه درسی خاصی از این فلسفه استنباط می شود (ملکی، ۱۳۸۷). در مورد تمامی فلسفه ها از جمله فلسفه اسلامی نیز این قاعده حاکم است.

مبنای برنامه درسی، مجموعه گزاره های توصیفی و تبیینی است که شناخت امور معینی را برای ما فراهم می سازد که فرایند برنامه ریزی درسی با تکیه بر آنها صورت می پذیرد. مبنای، بر دلالت های مهمی تأکید دارند که نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه های برنامه درسی کارآفرینی را شکل می دهند. از مهمترین آنها، مبنای فلسفی برنامه درسی است که مجموعه تبیین های منسجمی است که در خصوص ماهیت انسان، ماهیت معرفت و ماهیت ارزش از سوی یک مشرب فکری ارائه می گردد (ملکی، ۱۳۸۶). منظور از مبنای فلسفی برنامه ریزی درسی آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف برنامه درسی و تعیین وسایل و ملزومات اثر می گذارد. فلسفه ی مسلط اجتماعی در حقیقت جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت است. فلسفه ی تعلیم و تربیت، اعتقاد برنامه ریز به یکی از مکاتب فلسفی ذیربط، به شدت جهت گیری برنامه درسی را متفاوت می سازد. مبنای فلسفی، نقش پالایشگری اهداف و مقاصد برنامه درسی را نیز برعهده دارد.

از نظر گودلد (۱۹۷۹)، مبنای فلسفی، نقطه آغاز و پایه ای برای همه تصمیمات برنامه درسی است. مبنای فلسفی، تأثیراتی است که فلسفه حاکم بر جامعه و برنامه ریز بر فرایند تدوین اهداف و تدارک امکانات برنامه ریزی درسی دارد. جهت گیری سیاست گذاران در تعیین مقاصد اصلی تعلیم و تربیت تأثیر پذیرفته از دیدگاه فلسفی است که بدان اعتقاد دارند (موسی پور و همکاران، ۱۳۸۴).

هر یک از مولفه های مبنای فلسفی برنامه درسی، حاوی دلالت های خاصی است که به برنامه ریزی درسی جهت می دهد؛ به عنوان مثال در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی، «انسان» نوع خاص تعریف می شود. وقتی که

1. Oliva  
2. Goodlad